

تحلیل آرایه‌های بدیع در خطبه غراء از منظر سبک‌شناسی آماری

هومن ناظمیان* / علی پیرانی شال** / اکبر رضانی***

تاریخ دریافت: ۹۵/۸/۶ تاریخ پذیرش: ۹۶/۲/۷

چکیده

سبک‌شناسی آماری، پژوهشگر را در تشخیص و تمییز سبک‌های مختلف یاری می‌کند. شیوه پژوهش در سبک‌شناسی آماری بر اساس معیار کمی است که محقق باید مؤلفه‌های این بخش را بر اساس داده‌های آماری تحلیل و تجزیه نماید. در این مقاله با رویکرد توصیفی و تحلیلی و آماری، خطبه غراء مورد تحلیل و پژوهش سبک‌شناسی قرار می‌گیرد. بررسی انجام یافته نشانگر آن است که از میان آرایه‌های لفظی، سجع متوازی و موازنه به شکل مساوی بیشترین کاربرد را در خطبه مورد پژوهش دارند. سجع و موازنه با توجه به موسیقی‌ای که ایجاد می‌کنند، ذهن خواننده را برای پذیرش معنا آماده می‌سازند، از بین آرایه‌های معنوی نیز تضاد بیشترین کاربرد را داشته است. دلیل کاربرد تضاد توجه نمودن به دلالت التزام و تداعی معانی و فهم بهتر متون در ذهن خواننده است. به نظر می‌رسد مهمترین هدف امام علی علیه السلام از کاربرد آرایه‌های مذکور، جلب توجه و اهتمام مخاطب برای درک بهتر متن باشد. استفاده زیاد و متناوب حضرت از آرایه‌های متنوع بدیعی، این خطبه را به نزد اهل ادب و فن در جایگاه ادبی ویژه‌ای قرار داده است.

واژگان کلیدی

سبک‌شناسی آماری، خطبه غراء، آرایه‌های لفظی، آرایه‌های معنوی.

nazemian@khu.ac.ir
pirani@khu.ac.ir
akbareramazani@yahoo.com

*. دانشیار دانشگاه خوارزمی. (نویسنده مسئول)
**. دانشیار دانشگاه خوارزمی.
***. دانشجوی دکتری دانشگاه خوارزمی.

طرح مسأله

پس از آنکه سخن با مقتضای حال هماهنگ شده و دلالت‌های لفظی و معنوی آن آشکار گردید، شیوه‌ها و روش‌هایی را به کار می‌بندند که به‌وسیله آنها بر زیبایی و طراوت سخن افزوده گردد. این آرایه‌ها که بر سخن، جامه شکوه و رونق می‌پوشاند را علم بدیع می‌گویند. (هاشمی، بی‌تا: ۲۹۸). سبک نیز مجموعه روش‌هایی است که نویسنده به‌وسیله آن از کلیه سرمایه‌های یک زبان برای بیان افکار و عقاید خود استفاده می‌کند و آنها را به کار می‌گیرد (مهدوی کنی، ۱۳۸۶: ۲۰۲). سبک‌شناسی نیز عبارت است از دانش شناسایی شیوه کاربرد زبان در سخن یک فرد، یک گروه یا یک متن یا گروهی از متن‌ها (فتوحی، ۱۳۹۰: ۹۲). بنابراین با استفاده از سبک‌شناسی می‌توان تفاوت شیوه نویسندگی دو نویسنده را از هم بازشناخت. امروزه محققان به پژوهش‌های سبک‌شناسی آماری اهتمام والایی ورزیده‌اند، تا جایی که می‌توان با به‌کارگیری آن به تشخیص سبک‌های مختلف و تفکیک آن از سبک‌های دیگر در هر متنی پرداخت. (صدقی، ۱۳۹۶: ۱۲۷). پژوهش‌های سبک‌شناسی آماری برای نخستین بار توسط آرمسترانگ ریچاردز^۱ بنا نهاده شد. (مصلوح، ۱۹۹۲: ۷۶). پس از آن، از جمله دانشمندان آلمانی که به سبک‌شناسی آماری روی آورد و توانست با ابداع معادله‌ای به نام خود، تحول جدیدی در این علم ایجاد کند، «بوزیمان» نام داشت. این دانشمند برای نخستین بار این سبک را در متن‌های ادبی آلمان به کار بست. (میلر، ۱۹۶۳: ۶۵ - ۵۷). در سال‌های بعد فردی به نام «سعد مصلوح» این مباحث را به زبان عربی وارد نمود و سعی داشت آن را بر ادبیات عربی تطبیق دهد.

معادله بوزیمان برای تشخیص سبک ادبی از سبک علمی به کار می‌رود. بوزیمان به عواملی که در بالاتر بردن جنبه ادبی متن مؤثر هستند، اشاره نموده و کلام منطوق (گفتاری) را از کلام مکتوب (نوشتاری) ادبی‌تر می‌داند. (آنتوش، ۱۹۶۹: ۵۲ - ۴۵). خطبه نیز از جمله کلام‌های گفتاری است و نحوه استفاده خطیب از ابزارهای زیباسازی کلام، سبک او را مشخص می‌کند. ارتباط علم بدیع با سبک‌شناسی در آن است که شیوه یک خطیب یا نویسنده و مهارت وی در به‌کارگیری آرایه‌های بدیعی در سرتاسر متن مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

۱. آیور آرمسترانگ ریچاردز (۱۹۷۹ - ۱۸۹۳ م) منتقد ادبی انگلیسی و بنیانگذار مکتب «نقد علمی» و یکی از پرنفوذترین منتقدان عصر حاضر است. آراء ریچاردز که در چندین کتاب پرآوازه از جمله: معنی معنی، علم و شعر، نقد علمی و اصول نقد ادبی بیان شده، نقد ادبی را به شیوه‌ای انقلابی متحول ساخت و نظریه‌پردازی‌های فاقد زمینه استوار و متین علمی را از عرصه نقد ادبی بیرون راند و روش علمی و سنجیده‌ای را جایگزین آنها کرد که اغلب مبتنی بر تجزیه و تحلیل‌های زبانی و مبانی مکتب پوزیتیویسم منطقی است.

زبان خطبه، زبان گفتاری است و ویژگی‌های زبان گفتاری عبارتند از الگوهای صوتی و معانی پیوسته به آن، که ارتباطات را آسان می‌کند و ثبت تصاویری از گفتار که حفظ میراث فرهنگی را تسهیل می‌نماید. (کوئن، ۱۳۷۹: ۶۰).

در پژوهش حاضر خطبه غراء^۱ نهج البلاغه که به دلیل ظرافت‌های نهفته در آن؛ از خطبه‌های شگفت‌آور حضرت به شمار می‌آید و به سبب شهرت خطبه انگیزه‌ای شد تا مقاله به بررسی سبک‌شناسی آماری بپردازد تا ضمن بیان سبک آن، تأثیراتی که بر خواننده می‌گذارد، تبیین گردد. این مقاله می‌کوشد تا به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

۱. کدام یک از صنایع لفظی و معنوی کاربرد بیشتری در خطبه دارند؟ چرا؟
۲. تنوع صنایع بدیعی در این خطبه به چه شکل بوده و هدف از کاربرد صنایع مختلف چیست؟
۳. استفاده از آرایه‌های لفظی و معنوی بدیعی در این خطبه چه تأثیری بر مخاطبان داشته و چه کمکی به مؤثر بودن کلام حضرت نموده است؟

سبک‌شناسی و آمار

سبک‌شناسی آماری بر شمارش ریاضی برای ورود به متن‌های ادبی، تکیه دارد. هدف سبک‌شناسی آماری، محقق ساختن وصف آماری یک متن، برای بیان آنچه که آن را از دیگر متون ادبی متمایز می‌سازد، است (فتوحی، ۱۳۹۰: ۹۲).

بخش قابل توجهی از بررسی‌های سبک در چهارچوب شیوه‌های آماری، صورت می‌گیرد. این امر به سه دلیل است؛

نخست: آنجا که متون به‌منزله داده‌هایی برای شناسایی اصول و قواعد احتمالی زبان به‌کار گرفته می‌شود،

دوم: آنجا که لازم باشد نوآوری و ابداع در تألیف و اصالت نویسنده را، از طریق تحلیل‌های دقیق آماری یک الگو و توزیع مشخصه‌های متنوع سبک شناسایی کنیم؛

سوم: وقتی تحلیل‌های آماری متون بتواند مدل‌های سبک‌شناسی را به‌گونه‌ای معرفی کند که از آنها به‌عنوان ابزار ارزیابی ویژگی‌ها و امتیازات منحصر به فرد یک متن یا نویسنده یا نوع ادبی، استفاده شود.

۱. خطبه ۸۳ نهج البلاغه خطبه‌ای طولانی و به خطبه غراء معروف است. این خطبه دارای پندهای اخلاقی نابی است که به وصف دنیا و صفات بندگان و عبرت گرفتن از مرگ و یاد آخرت اختصاص دارد (سید رضی، ۱۳۸۳: ۹۳).



از سال ۱۹۳۰م روش‌های علمی در مطالعات سبکی آغاز شد و امروز روش‌های بررسی سبک با کاربرد آمار مورد توجه قرار گرفته است. در سبک‌شناسی آماری هر تکراری ارزش آماری ندارد. تنها آمارهایی ارزش سبک‌شناختی دارند که در تحلیل سبک، معنادار و نقش‌مند باشند و در شکل دادن به سبک (به‌معنای شکل و اندیشه) نقش داشته باشند. تکرارها باید از ثبات نسبی و معناداری برخوردار باشد؛ یعنی به یک «رخداد متنی» بدل شود. رخداد عبارت است از میزان پراکندگی یک عنصر زبانی در متن که می‌تواند معیاری برای سنجش ثبات و پایداری بسامد و دامنه پراکنش عنصر سبکی در متن باشد. (فتوحی، ۱۳۹۰: ۱۶۹).

بعد آماری در پژوهش‌های سبک‌شناسی، از معیارهای اساسی در تشخیص اسلوب‌های مختلف در یک متن است. کار سبک‌شناس آماری، شمارش و ریاضی نیست، بلکه شمارش جزئی از کار او است و سبک‌شناس بعد از شمارش باید به تحلیل ارقام و جدول‌ها بپردازد تا به واسطه این ارقام به خصوصیات و مشخصه‌های سبک یک متن برسد (مصلوح، ۱۹۹۲: ۵۷).

سبک‌شناسی آماری با میانگین نسبت تکرار پدیده خاص و درجه افزایش آن در یک متن ادبی، می‌تواند ما را در شناخت سبک آن متن و تفسیر آن کمک کند. تکرارهای معنادار، کلید تفسیر سبک است؛ چون دلالت‌های مختلفی از تکرار یک پدیده یک بار، یا ده بار، یا صد بار در یک متن، برداشت می‌شود. همچنین سبک‌شناسی آماری می‌تواند ما را در شناخت نویسندگان متن‌های ناشناخته کمک کند و این امکان را به ما می‌دهد تا اصالت قصاید عصر جاهلی که از مهم‌ترین قضایای این عصر است، را بهتر بفهمیم. (فضل، ۱۹۹۸: ۲۶۹).

آمار نیز ارتباط محکمی با نقد ادبیات دارد و در یک متن ادبی باعث تشخیص سبک‌های مختلف می‌شود، از جمله سبک آسان یا سخت، با طراوت یا ملال‌آور، متنوع یا یکسان. سبک‌شناسی محدود به پژوهش‌های ادبی نمی‌شود، بلکه وارد حوزه علوم انسانی به ویژه روان‌شناسی که با واژه‌شناسی ارتباط دارد، نیز می‌شود (مصلوح، ۱۹۹۲: ۶۳).

به هر حال سبک‌شناسی آماری یکی از زمینه‌های بررسی لغوی سبک‌شناسی، در دوره معاصر است. معمولاً هر نویسنده سبک مخصوص به خود دارد و مجموعه انتخاب‌های خاصی که نویسنده و پدیدآورنده یک اثر به آن مبادرت می‌کند، سبک خاص او را که از سبک سایر نویسندگان متمایز است، به وجود می‌آورد. بعد آماری در بررسی سبک، یکی از معیارهای اساسی موضوعی است که با استفاده از آن می‌توان سبک‌ها را تشخیص داد و بین آنها تفاوت قایل شد.

احمد الشایب معتقد است که وجود انفعال یا عاطفه در کنار مهم‌ترین حقایق و افکار از ویژگی‌های



سبک ادبی است و هدف از این سبک را برانگیختن انفعال و عاطفه در جان خواننده و شنونده ذکر نموده است. سبک ادبی به توقف در گذرگاه‌های زیبایی و تأثیرگذار ادبی شناخته شده و صور خیال و صنعت‌های بدیعی و کلمات آهنگین در این سبک، نماد انفعال عمیق است. سبک ادبی به قوی بودن و محکم ادا شدن، معروف است و از یک عاطفه قوی زنده و پویا تعبیر می‌نماید. (شایب، ۱۹۶۳: ۱۱۲).

در بررسی سبک گفتاری حضرت علی علیه السلام در خطبه‌گراء، پی می‌بریم که تعدادی از آرایه‌های بدیعی با کمیت‌های مختلف به کار رفته و غرض از هر کدام نیز هدفی خاص بوده است. سبک مخصوص بیان و نویسندگی امیرمؤمنان علیه السلام مبتنی بر ایجاز و گنج‌انیدن حداکثر معانی در حداقل کلمات است و کلماتی که از طرف آن حضرت انتخاب شده طوری متناسب و دارای انسجام است که اگر یک کلمه را از یک جمله بردارند تا کلمه‌ای دیگر جایش بگذارند؛ بنیان فصاحت متزلزل می‌شود (منصوری، ۱۳۹۰: ۴۳۹). در این پژوهش خواهیم دید که استفاده زیاد و متناوب حضرت از آرایه‌های متنوع بدیعی، این خطبه را از جایگاه بالای ادبی نزد اندیشمندان برخوردار کرده است. سبک استفاده حضرت از آرایه‌های بدیعی برای مؤثر نمودن سخنان خویش، در میان گویندگان و خطیبان عرب‌زبان سبکی متمایز بوده و حتی اگر کسی گوینده این سخنان را شناسد نیز از نحوه بیان می‌تواند حدت بزند که این، جزئی از کلام مولای متقیان است.

قبل از ترسیم داده‌های آماری در چهارچوب جدول و نمودار، به تعریف هر یک از آرایه‌های بدیعی و ذکر نمونه‌ای از آن در خطبه مذکور بسنده می‌شود.

یک. آرایه‌های لفظی

آرایه‌های لفظی به کار رفته در این خطبه شامل:

۱. **سجع:** آن است که کلمات آخر قرینه‌های سخن به نوعی آهنگین باشد؛ یعنی در وزن یا در حرف آخر کلمات (روی) یا در هر دو هماهنگی حس شود. (فشارکی، ۱۳۸۹: ۵). به تعریف دیگر سجع؛ یعنی توافق فاصله‌ها (پایان هر فقره یا جمله) در نثر بر یک حرف واحد. (تفتازانی، ۱۳۸۷: ۸۵). سجع سه گونه است:

الف. سجع مطرف: که دو فاصله (کلمه آخر هر فقره) در وزن متفاوت ولی در حرف روی یکسان هستند. (تفتازانی، ۱۳۸۷: ۸۶) در این خطبه ۸ بار سجع مطرف به کار رفته است، مانند:

وَأَحَاطَ بِكُمْ الْإِحْصَاءُ وَأَرَصَدَ لَكُمْ الْجَزَاءُ.^۱

۱. و به کردارهایتان احاطه دارد و پاداش هر یک از شما را بر سر راه مهیا داشته.

دو کلمه «إحصاء» با «جزاء» سجع مطرف دارند. ختم شدن جمله‌ها با هجا و حروف یکسان باعث زیبایی موسیقایی و ماندگاری متن در ذهن گردیده است.

ب. **ترصیع:** نوع دوم آن است که همه یا بیشتر کلمه‌های قرینه نخست با کلمه‌های قرینه دوم در وزن و قافیه (حرف روی) هماهنگ باشند که ترصیع خوانده می‌شود. (تفتازانی، ۱۳۸۷: ۸۶) نام این نوع آرایه به معنای جواهر نشان است و تاج مرصع؛ یعنی تاجی که بر روی آن جواهر و سنگ‌های قیمتی کار شده باشد. اوج هنر گوینده در این است که بدون تکلف جملاتی بگوید هم اندازه و هماهنگ در وزن و قافیه و البته متناسب با سایر جملات و رساننده معنا به بهترین وجه. در خطبه مورد بحث ۶ بار از سجع مرصع استفاده شده است، مانند:

مَازِحِ كُلِّ غَنِيمَةٍ وَ فَضْلِ وَ كَاشِفِ كُلِّ عَظِيمَةٍ وَأَزْلٍ^۱

ج. **سجع متوازی:** نوع سوم سجع نیز سجع متوازی است؛ یعنی دو کلمه پایانی در دو جمله در وزن و قافیه همسان هستند، هر چند که بعضی کلمات دو قرینه در وزن و قافیه با هم موافق نباشند (تفتازانی، ۱۳۸۸: ۲۹۴). در برخی کتاب‌های بلاغی نظیر معجم البلاغة العربية نیز آمده است: سجع متوازی آن است که أعجاز فاصله‌ها در حرف آخر متفق باشند، همراه با اتفاق در وزن. (طباطبانه، ۱۹۸۸: ۷۱۷). هر چند که در این نوع آرایه همه یا بیشتر کلمات دو جمله موافق هم نیست اما همین که دو کلمه پایانی این جملات در متن مشابه یکدیگر است، متن را زیبا کرده و به آن رونق و گیرایی می‌بخشد. در این خطبه ۲۶ بار از سجع متوازی استفاده شده است؛ مانند:

وَأَوْمِنُ بِهِ أَوْلًا بَادِيًا وَأَسْتَهْدِيهِ قَرِيْبًا هَادِيًا^۲

«بادیاً» با «هادیاً» در پایان دو جمله دارای سجع متوازی می‌باشند.

۲. **جناس:** آن است که بین دو لفظ در تلفظ مشابهت وجود داشته باشد و آن دو قسم است. **الف. جناس تام:** که دو لفظ در نوع، عدد، حرکات و ترتیب حروف با هم متفق باشند (تفتازانی، ۱۳۸۸: ۲۸۸). این نوع جناس یک بار در خطبه آمده است، مانند:

۱. به فضل و بخشایش خود بر همگان نزدیک.

۲. ایمان می‌آورم به او، که مبداء همه چیزها و آغازکننده آفرینش است و از او هدایت می‌طلبم، که هم نزدیک است و هم راه نماینده.

وَإِنَّمَا حُطُّ أَحَدِكُمْ مِنَ الْأَرْضِ ذَاتِ الطُّوْلِ وَالْعَرْضِ قَيْدُ قَدِهِ مُتَعَفِّرًا عَلَيَّ حَدِّي.^۱
 دو کلمه «ارض» و «عرض» در تلفظ به یک نحو ادا شده و جناس تام دارند.

ب. جناس غیر تام

(۱) جناس مصخّف: اگر دو کلمه متجانس فقط در تعداد نقطه‌ها یا مکان آنها متفاوت باشند؛ جناس مصخّف را می‌سازند. از این نوع جناس ۴ بار در خطبه آمده است، مانند:

فَإِنَّ الدُّنْيَا رِزْقٌ مَشْرُوبٌ رَدِغٌ مَشْرُوعٌ يُونِقُ مَنظَرُهَا وَيُوبِقُ مَخْبَرُهَا.^۲
 کلمه‌های «یونِق» و «یوبِق» دارای جناس مصخّف بوده و فقط در یک نقطه اختلاف دارند.

(۲) جناس مطرّف: اگر دو لفظ متجانس در تعداد حروف با هم متفاوت باشند آن را جناس ناقص مطرّف می‌گویند. (تفتازانی، ۱۳۸۸: ۲۸۹). در خطبه غراء ۳ بار جناس مطرف وجود دارد، مانند:

وَاسْتَحِقُّوا مِنْهُ مَا أَعَدَّ لَكُمْ بِالتَّجَرُّ لِيَصْدُقَ مِعَادُهُ وَالْحَدْرُ مِنْ هَوْلٍ مَعَادِهِ.^۳
 دو کلمه «میعاده» با «معاده» دارای جناس ناقص با اختلاف تعداد حروف (زیادی در وسط) می‌باشند.

(۳) جناس مضارع: اگر دو لفظ متجانس در انواع حروف مختلف باشند؛ و دو حرف متفاوت، قریب المخرج بودند، جناس مضارع نام دارد. (تفتازانی، ۱۳۸۸: ۲۹۰). از این نوع جناس ۵ بار استفاده گردیده است، مانند:

وَحَدَّرَكُمُ عَدُوًّا نَفَذَ فِي الصُّدُورِ حَقِيًّا وَنَفَثَ فِي الْأَذَانِ نَجِيًّا.^۴
 دو واژه نَفَذَ و نَفَثَ دارای جناس مضارع با اختلاف حرف پایانی هستند.

(۴) جناس لاحق: اگر دو لفظ متجانس در انواع حروف مختلف باشند و دو حرف متفاوت، بعیدالمخرج باشند؛ جناس لاحق هستند. (تفتازانی، ۱۳۸۸: ۲۹۰). بیشترین جناس به‌کار رفته در

۱. بهره شما از زمین به قدر قامت شما است. در آنجا چهره بر خاک خواهید نهاد.
۲. دنیا آبشخوری تیره است و گل آلود. ظاهرش دلفریب است و باطنش هلاک‌کننده.
۳. تا شایسته آن نعمت جاوید شوید، که برای شما مهیا کرده است تا وعده‌ای که به بندگان خود داده برآورد، که وعده او همواره راست است، و از بیم رستاخیز او دور باشید.
۴. و شما را از شیطان، دشمنی که در دل‌هایتان پنهان شده و در گوش‌هایشان زمزمه می‌کند، بیم داده.

خطبه، جناس لاحق با ۱۳ بار تکرار است، مانند:

وَكَذَلِكَ الْخَلْفُ يَعْقِبُ السَّلْفَ. لَا تُفْلِحُ الْمَنِيَّةُ إِخْتِرَامًا وَلَا يَزَعُوي الْبَاقُونَ إِجْتِرَامًا.^۱
«خَلْف» با «سَلْف» جناس لاحق با اختلاف حرف نخست دارند.

۳. موازنه: یکی از آرایه‌های بدیع لفظی است و آن تساوی دو فاصله (کلمه‌های اخیر در دو فقره یا دو مصراع) در وزن است، بدون توافق آنها در قافیه (تفتازانی، ۱۳۸۸: ۲۹۶). این آرایه نیز مثل سجع متوازی ۲۶ بار در خطبه آمده است، مانند:

«فَإِنَّ الدُّنْيَا رَنِقٌ مَّشْرَبٌهَا، رَدِغٌ مَّشْرَعٌهَا، يَا «وَقَنْصَتٌ بِأَحْبِلْهَا وَأَقْصَدَتْ بِأَسْهَمِهَا...»^۲ جمله‌ها دارای آرایه موازنه هستند؛ زیرا دو کلمه «مَشْرَبٌ» و «مَشْرَعٌ» و همین‌طور دو کلمه «أَحْبِلٌ» و «أَسْهَمٌ» بر یک وزن می‌باشند ولی حرف قافیه متفاوت دارند. ضمیر منصوبی «ها» در اینجا محاسبه نمی‌گردد.

۴. اشتقاق: یکی از آرایه‌هایی که به جناس ملحق می‌گردد؛ اشتقاق است. اشتقاق زمانی است که دو لفظ را با هم جمع نمایند به نحوی که دو کلمه در حرف‌های اصلی توافق داشته و در اصل معنا نیز متفق باشند (تفتازانی، ۱۳۸۸: ۲۹۱). ۲ مورد از اشتقاق در خطبه یافت شد، مانند:

وَاعْمُوا أَنْ مَجَّازَكُمْ عَلَى الصِّرَاطِ... وَأَهَاوِيلِ زَلَّيْهِ وَتَارَاتِ أَهْوَالِهِ.^۳

دو کلمه «أهوایل» با «أهواله» از یک خانواده بوده و اشتقاق دارند.

۵. ازدواج: اگر دو کلمه مسجع یا متجانس در جمله در کنار هم یا با فاصله کمی از هم قرار بگیرند؛ آرایه ازدواج را شکل داده‌اند که تأثیر زیادی بر آهنگین بودن کلام دارد. ۳ بار از این آرایه در خطبه استفاده شده است، مانند:

فَاتَّقُوا اللَّهَ تَقِيَّةً مَنْ سَمِعَ فَخَشَعَ وَاقْتَرَفَ فَأَعْتَرَفَ وَوَجَلَ فَعَمِلَ...^۴

دو کلمه «سَمِعَ» و «خَشَعَ» هم‌وزن در کنار هم، «إِقْتَرَفَ» و «إِعْتَرَفَ» نیز دو

۱. و این چنین‌اند کسانی که پس از این می‌آیند و جانشین گذشتگان می‌شوند؛ زیرا مرگ از هلاک کردنشان باز نایستد و بازماندگان نیز از ارتکاب گناه دست باز ندارند.

۲. آب دنیای حرام همواره تیره و گل‌آلود است ... و با دام‌های خود آنها را گرفتار می‌کند و تیرهای خود را سوی آنان پرتاب می‌نماید.

۳. بدانید، که بر صراط گذر خواهید کرد ... از آن لغزش‌ها، وحشت‌ها زاید و وحشت از پس وحشت پدید آید.

۴. پس از خدای بترسید همانند کسی که شنید و خاشع شد و چون از روی نادانی گناهی کرد به گناه خویش اعتراف نمود و از سرانجام کار خود بیمناک گردید و عمل کرد.



کلمه هم‌وزن در کنار هم بوده و آرایه ازدواج به وجود آمده است. «وَجِلَّ» و «عَمِلَّ» نیز همین قضیه را دارا هستند.

۶. تکرار: یکی از آرایه‌های لفظی است و مقصود این است که یک حرف یا کلمه یا جمله با هدف بلاغی تکرار گردد. از این نمونه ۳ مورد یافت شد، مانند:

قَدْ هَتَكَتِ الْهُوَامُ جِلْدَتَهُ وَأَبْلَتِ النَّوَاهِكِ جِدَّتَهُ.^۱

تکرار حرف «ه» و «ج» بر زیبایی کلام افزوده و آرایه تکرار حرف را ساخته است.

۷. ابداع: زمانی که چند آرایه بدیعی در یک یا چند جمله پیوسته به هم آمده باشد؛ باعث زیبایی و رونق دو چندان کلام گردیده و آن را ابداع می‌نامند. ۵ بار نیز از این آرایه در خطبه آمده است، مانند:

فَكَفَى بِالْجَنَّةِ ثَوَابًا وَنَوَالًا وَكَفَى بِالنَّارِ عِقَابًا وَوَبَالَآ وَكَفَى بِاللَّهِ مُنْتَقِمًا وَنَصِيرًا وَكَفَى بِالْكِتَابِ حَاجِبًا وَخَصِيمًا.^۲

کلمات «جَنَّة» با «نار» و «ثَوَاب» با «عِقَاب» دارای تضاد، «نوالاً» و «وبالآ» سجع متوازی، «نصیراً» و «خصیماً» موازنه بوده؛

دو جمله نخست دارای آرایه مقابله هستند؛ یعنی سه کلمه از جمله نخست در تضاد با سه کلمه از جمله دوم قرار گرفته است. کلمه «كَفَى» ۴ بار تکرار شده که نشانه اهمیت و تأکید بر محتوای کلام است. آرایه‌های تضاد، سجع متوازی، موازنه، تکرار و مقابله در این عبارت باعث به‌وجود آمدن آرایه ابداع شده است.

جدول شماره (۱) توزیع درصد فراوانی آرایه‌های لفظی در خطبه غراء

ردیف	صنایع لفظی	تعداد	فراوانی بر حسب درصد
۱	سجع مطرف	۸	۷/۶۱
۲	سجع مرصع	۶	۵/۷۱
۳	سجع متوازی	۲۶	۲۴/۷۶

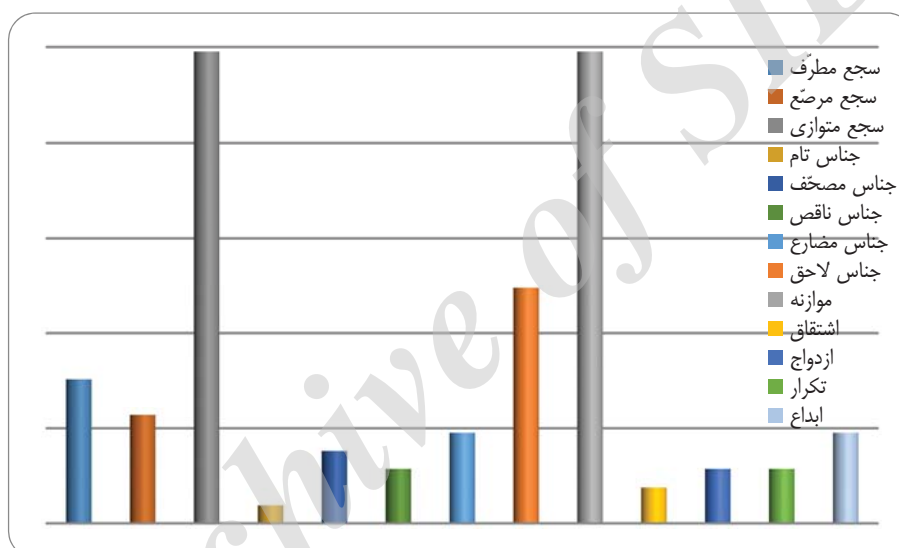
۱. حشرات و گزندگان، پوست تنش را بر دریده‌اند و آن پیکری که تا چندی پیش زنده و شاداب بود، اکنون پوسیده شده.

۲. بهشت، پاداش عمل نیکوکاران را کافی است و عذاب آتش، کیفر بدکاران را بسنده است؛ زیرا خدا هم انتقام‌کشنده است و هم یاری‌دهنده و کتاب خدا هم حجت آورد و هم به داوری کشد.



ردیف	صنایع لفظی	تعداد	فراوانی بر حسب درصد
۴	جناس تام	۱	۰/۹۵
۵	جناس مصخف	۴	۳/۸۰
۶	جناس ناقص	۳	۲/۸۵
۷	جناس مضارع	۵	۴/۷۶
۸	جناس لاحق	۱۳	۱۲/۳۸
۹	موازنه	۲۶	۲۴/۷۶
۱۰	اشتقاق	۲	۱/۹۰
۱۱	ازدواج	۳	۲/۸۵
۱۲	تکرار	۳	۲/۸۵
۱۳	ابداع	۵	۴/۷۶

نمودار شماره (۱) توزیع درصد فراوانی آرایه‌های لفظی در خطبه غراء



تحلیل داده‌های آماری آرایه‌های لفظی

خطبه غراء خطبه‌ای اعتقادی - اخلاقی است. این خطبه از لحاظ طول و تعداد کلمات جزء خطبه‌های طولانی نهج‌البلاغه به شمار آمده و به ۱۳ قسمت یا ۱۳ محور تقسیم شده است.

ساختار خطبه به‌گونه‌ای است که بتواند با تأثیر عاطفی، خواننده را متقاعد به پذیرش سخنان خود نماید. با بررسی صورت گرفته و با توجه به یافته‌های تحقیق، این نتیجه حاصل می‌شود که ۱۸ نوع از آرایه‌های لفظی و ۱۱ نوع از آرایه‌های معنوی در این خطبه به‌کار رفته است. بیشترین آرایه به‌کاررفته در خطبه، سجع با نمونه‌های مختلف آن است. این گوناگونی و فراوانی سجع باعث آهنگین شدن جمله‌ها و در نهایت ایجاد آهنگ و ریتم زیبا در سراسر متن خطبه شده است.

سجع متوازی

این آرایه بیشترین کاربرد را در خطبه غراء دارد، به‌کارگیری این آرایه در خطبه ناظر به تأثیر بر مخاطب است. بلاغت آرایه سجع متوازی از آنجا ناشی می‌شود که کلمات موزون و مقفی در این صنعت لاجرم استعمال می‌شود، این استعمال موزون، موسیقی دل‌نواز و گوش‌نواز را به‌همراه دارد که باعث جلب توجه خواننده و مخاطب به موضوع شده و باعث می‌شود با توجه به تأثیری که خواننده از موسیقی آن دارد، قدرت ماندگاری مطالب در ذهن او بیشتر شود. امام علی علیه السلام از این آرایه به وفور در خطبه خود استفاده کرده است. هدف امام بیان امور دنیوی و اخروی با جمله‌ها و کلمه‌ها آهنگین به مردم بوده تا با این شیوه معانی مختلف را در این چهارچوب به مردم القا کند تا به بهترین شکل در ذهن آنها جای گیرد و راز بلاغت این آرایه و کاربرد آن شاید همین نکته باشد که به آن اشاره گردید. سید رضی می‌گوید در خبر است که وقتی امام علیه السلام این خطبه را ایراد فرمود بدن‌ها به لرزه درآمد، اشک‌ها سرازیر و دل‌ها ترسان شد و جمعی آن را غراء نامیدند (سید رضی، ۱۳۸۳: ۹۹).

در واقع علت این بوده که به‌دلیل جمله‌ها و کلمه‌های مسجع و مرصع که هر خواننده را به وجد می‌آورد و باعث جلب توجه او می‌شود؛ همه حاضران سراپا گوش، محو سخنان آن حضرت شده بودند.

موازنه

موزون بودن جمله‌ها نیز از دیگر اموری بوده که امام علی علیه السلام به آن توجه شایانی داشته است. موزون بودن کلام نوعی موسیقی در ذهن مخاطب ایجاد کرده که باعث نقش بستن معانی به بهترین شکل در ذهن او می‌شود. مفهوم موسیقی به گفته اخوان الصفا «علم نسبت‌ها» است. میان استواری یک ساخت با تناسب اجزاء آن رابطه‌ای است. هر قدر این نسبت به «نسبت افضل» نزدیک‌تر باشد؛ «ساخت» مورد نظر استوارتر و متقن‌تر است. (شفیعی کدکنی؛ ۱۳۶۸: ۲۹۵). نحوه به‌وجود آمدن موسیقی در کلام همان است که ساخت و حجم جمله‌ها با هم متناسب باشند. تعداد

کلمه‌ها در جمله‌ها تقریباً به یک اندازه و هجاها و واج‌ها متناسب و حروف پایانی کلمات، یکسان ادا شده و نوعی هم‌سانی و هم‌آهنگی در گوش شنونده ایجاد گردد.

دیگر آرایه‌های لفظی

از دیگر آرایه‌هایی که در این خطبه به کار رفته، عبارتند از انواع جناس، اشتقاق، ازدواج و تکرار. انواع جناس نیز در سرتاسر متن پراکنده است. از فواید سجع و جناس، نظمی است که از آهنگ‌های موسیقی و وزن منظم کلمات در خطبه تشکیل شده است. زیباترین سجع‌های این خطبه سجع متوازی و فقراتی است که تعداد کلمات دو قرینه یکسان باشد و البته بیشترین نوع سجع به کار رفته نیز از همین گونه است. از میان انواع جناس نیز دو نوع لاحق و اشتقاق در خطبه بیشتر کاربرد دارد.

این آرایه‌ها در راستای مفاهیم و اهدافی است که امام متقیان در پی القای آن به مردم است. جناس؛ یعنی هم‌جنس بودن کلمات، اشتقاق نیز هم‌ریشه بودن آنها است، ازدواج نیز نزدیک بودن مکانی کلمه‌های مشابه به یکدیگر است. هر سه این آرایه‌های گفته شده در یک چیز مشترک هستند و آن ارتباط و پیوند نزدیک کلمات با همدیگر است. هرچه تکرار چنین مواردی در یک متن بیشتر باشد؛ هم بر جذابیت و زیبایی آن افزوده و هم گیرایی و ماندگاری آن در ذهن بیشتر می‌شود.

تکرار مطالب به‌نوعی به یادآوردن مطالب در هر وقت و زمانی است که این خود نقش بسیار مهمی در فهم مخاطب دارد. امام علی علیه السلام با به‌کارگیری این صنعت می‌خواهد حقایق دین و امور اخروی را با تکرار مطالب و مفاهیم در ذهن مردم جای داده و جایگاه آن را مستحکم نماید.

تکرار هرچند که از خانواده جناس نیست ولی به لحاظ نقش موسیقایی می‌تواند همان وظیفه را عهده دار شود و آن موردی است که کلمه‌ای به یک معنا دو بار بیاید و نوع خلاق آن دشوار دیده می‌شود (شفیعی کدکنی؛ ۱۳۶۸: ۳۰۵) اما در خطبه غراء چند بار آمده است.

نکته جالب در این باره آن است که تکرار واژه در یک جمله یا دو جمله پشت سر هم اتفاق نیافتاده مگر در مواردی مثل «فَاتَّقُوا اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ» که لفظ جلاله «الله» در آن تکرار شده است. این لفظ جمعاً ۱۲ بار در خطبه تکرار شده و با توجه به محتوای اعتقادی خطبه و طول ۴ صفحه‌ای آن، این تعداد از تکرار زیاد نیست اما همین تعداد تکرار نیز در لحظه‌های مختلف، خواننده را به یاد خدای متعال می‌اندازد.

دو آرایه رد العجز علی الصدر و رد الصدر علی العجز در این خطبه جایگاهی ندارند. به جز انواع سجع و انواع جناس، موازنه و اشتقاق و تکرار حرف و اقتباس از دیگر آرایه‌های لفظی به کار رفته در خطبه



هستند. نظم متن، برخاسته از شیوه آمیختگی کلمات و ترکیبات با یکدیگر و استواری و صلابت کلام نیز نشأت گرفته از کاربرد طبیعی این آرایه‌ها در خطبه است. بدین دلیل، خطبه غراء شیوا، رسا و در مرتبه والایی از فصاحت و بلاغت قرار دارد.

دو. آرایه‌های معنوی: آرایه‌های معنوی به زیبایی‌سازی معنا برمی‌گردد و در آن نقش اساسی دارد. هرچند که بعضی مواقع زیبایی لفظ را نیز در نظر دارد. آرایه‌های معنوی به کار رفته در این خطبه شامل موارد ذیل است:

۱. تضاد: که مطابقه و طباق هم نامیده می‌شود و آن جمع بین دو معنا متضاد یا مقابل هم در جمله است. این تقابل ممکن است حقیقی یا اعتباری بوده یا تقابل سلب و ایجاب یا عدم و ملکه و ... باشد. همین‌طور ممکن است از یک نوع کلمه (اسم یا فعل یا حرف) باشند و ممکن است از دو نوع متفاوت ذکر شوند (تفتازانی، ۱۳۸۸: ۲۶۵). در خطبه غراء ۷ بار آرایه تضاد آمده است، مانند:

لَا تُسْتَرَادُّ مِنْ صَالِحٍ عَمَلِهَا وَلَا تُسْتَعْتَبُ مِنْ سَيِّئِ زَلِّهَا.^۱
دو کلمه «صَالِح» و «سَيِّئ» متضاد هستند.

۲. مقابله: خطیب قزوینی مقابله را در ضمن طباق تعریف نموده اما سکاکی و دیگران آن را یک آرایه معنوی مستقل به حساب آورده‌اند و آن: آوردن دو معنا موافق یا بیشتر در کلام و سپس آوردن کلماتی است در مقابل این گروه نخست با همان ترتیب (تفتازانی، ۱۳۸۸: ۲۶۷). در این خطبه ۳ بار از آرایه مقابله استفاده شده است، مانند:

فَهَلْ يَنْتَظِرُ أَهْلُ بَضَاظَةِ الشَّبَابِ إِلَّا حَوَانِي الْهَرَمِ وَأَهْلُ غَضَارَةِ الصِّحَّةِ إِلَّا نَوَازِلَ السَّقَمِ وَأَهْلُ مُدَّةِ الْبَقَاءِ إِلَّا أَوْتَةَ الْفَنَاءِ؟^۲

ترکیب «بَضَاظَةِ الشَّبَابِ» با «حَوَانِي الْهَرَمِ» و «غَضَارَةِ الصِّحَّةِ» با «نَوَازِلَ السَّقَمِ» و همین‌طور «مُدَّةِ الْبَقَاءِ» با «أَوْتَةَ الْفَنَاءِ» در مقابل یکدیگر بوده و آرایه مقابله را به وجود آورده‌اند.

۳. مراعات نظیر: این آرایه، تناسب و توفیق و ائتلاف و تلفیق نیز خوانده شده است و آن، جمع یک کلمه با آنچه متناسب با اوست می‌باشد البته نه بر شیوه تضاد (تفتازانی، ۱۳۸۸: ۲۶۸). آرایه

۱. از ایشان نمی‌خواهند که بر اعمال نیک خود بیفزایند و راهی برای گذشتن از لغزش‌ها و خطاهایشان نمی‌یابند.
۲. آیا آنان، که در اوج رونق جوانی هستند، جز پیری و خمیدگی چه انتظاری دارند یا کسی که در عین تندرستی است چشم به راه چه تواند بود، جز بیماری و ناتوانی؟ آیا آنان، که هنوز زنده و برجای‌اند در اندیشه مرگ و نیستی نیستند.

مراعات نظیر ۴ بار در خطبه غراء یافت شد، مانند:

ثُمَّ مَنَحَهُ قَلْبًا حَافِظًا وَ لِسَانًا لَافِظًا وَ بَصَرًا لَاحِظًا لِيَفْهَمَ مُعْتَبِرًا وَ يُقْصِرَ مُزْجِرًا.^۱

در این جمله کلمات قلب، لسان و بصر دارای مراعات نظیر هستند. زمانی که چند چیز متناسب باهم در جایی بیاید در دفعات بعد ذکر یکی از آنها، سایر اجزاء را در ذهن مجسم خواهد نمود، به عنوان مثال در این جمله که نعمت‌های خدای متعال بر بندگان را برمی‌شمرد، از اعضای بدن نام برده و کافی است که در دفعات بعد به یکی از این اعضاء اشاره شود که مخاطب بقیه را به خاطر خواهد آورد.

۴. جمع: اگر دو یا چند چیز را تحت حکم واحد درآورند، آرایه جمع شکل گرفته است. (تفتازانی، ۱۳۸۸: ۲۷۳) کاربرد این آرایه برای تسهیل امر مخاطب در فهم و یادگیری مطالب است. آنگاه که گوینده دو شیء را در یک صفت جمع می‌کند، نشانه هم‌سانی آن دو شیء است، پس اگر یکی از اموری که گوینده بین آنها را جمع کرده است، مبهم و غیر قابل درک باشد، خواننده می‌تواند با استفاده از اشتراکاتی که این امر با دیگر امور دارد، به فهم آن برسد و مطلب را در ذهن خود جای دهد. در مجموع ۶ بار آرایه جمع در این خطبه آمده است، مانند:

وَ أَعْظَمُ مَا هُنَالِكَ بَلِيَّةَ نُزُولِ الْحَمِيمِ وَ تَصْلِيَةَ الْجَجِيمِ وَ فَوْرَاتِ السَّعِيرِ وَ سَوْرَاتِ الرَّفِيرِ.^۲

در این فرمایش شدیدترین حالت‌های عذاب در روز قیامت ذکر شده است.

۵. تقسیم: دو نوع است. نوع یکم آن است که چند چیز متعدد ذکر شود، سپس اجزاء آنها به شیوه تعیین به هر کدام اضافه گردد. (تفتازانی، ۱۳۸۸: ۲۷۴) نوع دوم تقسیم این است که همه اقسام یک چیز ذکر شود، یعنی موردی آورده شود بعد از آن همه اجزاء یا تعدادی از اجزایش به دنبال آن برشمرده شود. در این خطبه ۲ بار آرایه تقسیم آمده است، مانند:

وَ مَا الْحَدَثَانِ مَعَالِمُهُ وَ صَارَتِ الْأَجْسَادُ شَحْبَةً بَعْدَ بَصْتَتِهَا وَ الْعِظَامُ نَحْرَةً بَعْدَ قُوَّتِهَا وَ الْأَرْوَاحُ مُرْتَهَنَةً بِثِقَلِ أَعْبَائِهَا ...^۳

هر کدام از اعضاء و اجزاء آدمی همراه با سرنوشت و تغییری که بر آن حادث می‌گردد، آورده شده است.

۶. اقتباس: آن است که کلام چه نظم باشد یا نثر به چیزی از قرآن یا حدیث تضمین شود و تصریح گردد که این قسمت، از قرآن یا حدیث است. اشکالی ندارد که در لفظ اقتباس شده تغییر

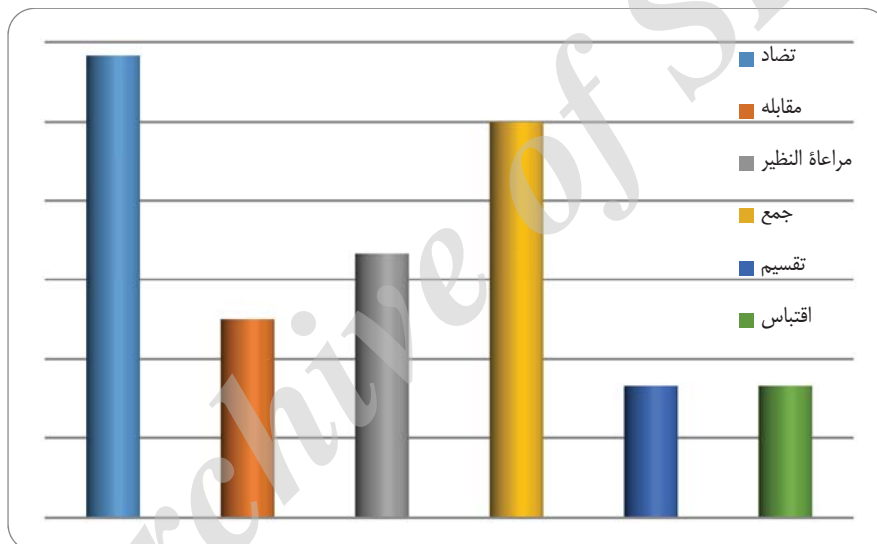
۱. خدا او را دلی داده فراگیرنده و زبانی سخنگوی و (دیده‌ای بینا) تا از سر اعتبار فهم کند و از ناشایست‌ها بپرهیزد.
۲. و بزرگ‌ترین بلای آنجا، فرود آمدن در آتش سوزان دوزخ و برافروختگی شعله‌ها و نعره‌های آتش است.
۳. و گذشت شب و روز نشانه‌های او را از میان بر می‌دارد. بدن‌ها، پس از آن همه طراوت، متلاشی می‌گردند، و استخوان‌ها بعد از آن همه سختی و مقاومت، پوسیده می‌شوند. و ارواح در گرو سنگینی بار گناهانند ...

اندکی صورت گرفته باشد. (تفتازانی، ۱۳۸۸: ۳۰۹). اقتباس از قرآن کریم نیز دو بار در این خطبه آمده است، مانند:

وَأَعْظَمُ مَا هُنَالِكَ بَلِيَّةٌ نَزُولُ الْحَمِيمِ وَتَصْلِيَةُ الْجَحِيمِ وَفَوْرَاتُ السَّعِيرِ وَسَوْرَاتُ الرَّفِيرِ^۱
 دو ترکیب «نُزُولُ الْحَمِيمِ» و «تَصْلِيَةُ الْجَحِيمِ» اقتباسی از آیات ۹۳ و ۹۴ سوره واقعه «فَنَزَّلْنَا مِنَ حَمِيمٍ وَتَصْلِيَةٍ جَحِيمٍ» است.

ردیف	صنایع معنوی	تعداد	فراوانی بر حسب درصد
۱	تضاد	۷	۲۹/۱۶
۲	مقابله	۳	۱۲/۵۰
۳	مراعاة النظير	۴	۱۶/۶۶
۴	جمع	۶	۲۵
۵	تقسيم	۲	۸/۳۳
۶	اقتباس	۲	۸/۳۳

جدول شماره (۲) توزیع درصد فراوانی آرایه‌های معنوی در خطبه غراء



نمودار شماره (۲) توزیع درصد فراوانی آرایه‌های معنوی در خطبه غراء

۱. بزرگ‌ترین بلایی که در این مرحله است، بالای آن آب جوشان و دخول در دوزخ فروزان است و وحشت از فوران و شدت صدای آتش.

تحلیل داده‌های آماری آرایه‌های معنوی

از میان آرایه‌های معنوی تضاد، جمع و مراعات نظیر بیشترین کاربرد را داشته‌اند. آرایه مبالغه و ارسال المثل در این خطبه نیامده است و شاید علت آن توجه به سادگی و روانی و قابل فهم بودن خطبه برای عموم مخاطبین بوده و این دو آرایه چه بسا باعث غموض و پیچیدگی معنا و به زحمت افتادن مخاطب در شناختن معانی و احتمالات مختلف کلمات گردند که به همین دلیل از آنها پرهیز شده است.

طباق و مقابله

از جمله صنایع معنوی که نقش چشمگیری در این خطبه دارد، صنعت طباق است. اگر تأمل در فراوانی آرایه تضاد بیانگر آن است که در نیمه نخست خطبه به دلیل وصف دنیا و وصف قیامت و برشمردن ویژگی هر کدام و به دست دادن مقایسه بین آن دو، کاربرد تضاد نیز بیشتر از نیمه دوم خطبه است. در نیمه دوم خطبه بیشتر به عبرت گرفتن از مرگ و پندپذیری از عاقبت درگذشتگان و نمونه‌هایی از تقوای شخصی افراد اشاره شده و یکدستی موضوع و تناسب معنا جای خاصی را برای کاربرد تضاد نگذاشته و به همین علت کاربرد آن کمتر است.

هدف از کثرت صنعت طباق در خطبه غراء، تأکید معنا در ذهن مخاطب و همراه ساختن خواننده با خود است. کاربرد طباق در این خطبه به دلیل تأثیر بیشتر آن بر مخاطب، بیش از سایر آرایه‌های معنوی است.

این بخش مورد توجه زبان‌شناسان، به‌ویژه سبک‌شناسانی که در تعریف سبک توجه به خواننده و مخاطب را سرلوحه کار خود قرار داده‌اند، بوده است. تأکید معنا در طباق بدین صورت شکل می‌گیرد: با توجه به دلالت التزام در طباق می‌توان گفت در این صنعت متکلم معنای طرف دوم را با لفظ طرف اول دریافت می‌کند و در این ذکر دو نکته متوجه مخاطب می‌شود:

۱. مخاطب، معنای طرف دوم را از لفظ نخست متوجه می‌شود.
 ۲. خواننده با لفظ موضوع‌له برای معنای طرف دوم، معنا را برای بار دوم دریافت می‌کند.
- دریافت معنا در دو مرتبه، تداعی بهتر معانی در ذهن مخاطب است؛ تداعی معانی در ذهن خواننده نیز همان طباق است. طباق، دلالت التزام و تداعی معانی از هم جدا نیستند. (میرلوحی، ۱۳۹۱: ۲۲۸).
- گرچه در طباق، میان معناهای به کاررفته، نوعی تضاد وجود دارد، اما تناسبی ایجاد می‌کند که بر زیبایی و لطافت سخن و روشنگری آن می‌افزاید؛ زیرا همراه هر معنا، ضد آن در ذهن تداعی می‌شود و کاربرد معانی متضاد، تمام جوانب مطلب را آشکار می‌سازد. روی هم‌رفته ۱۰ بار از این دو آرایه

استفاده شده و قرار دادن کلمات متضاد به تعداد زیاد در کنار هم باعث می‌گردد که جمله‌ها بهتر و راحت‌تر در ذهن نقش بندند.

سرّ استفاده از مقابله شاید این باشد که نخست در ترکیب الفاظ متناسب با هم متجلی می‌گردد و ثانیاً در انتخاب الفاظ مخالف و مقابل آنها. هرچه که درباره آرایه طباق گفته شد درباره مقابله نیز صدق می‌کند و آن دو مرحله که در طباق اشاره گردید، به طور واضح‌تر و پررنگ‌تر در مقابله وجود دارد؛ زیرا ادیب الفاظ متقابل را به نحوی عرضه می‌دارد که اولاً بین آنها تناسب برقرار باشد و ثانیاً خواننده بعد از تفکر و هوشمندی و دقت در جمله‌ها به آن تناسب موجود می‌رسد.

مراعات نظیر

آرایه مراعات نظیر یا تناسب، فعال‌ترین آرایه ادبی و از لوازم اولیه سخن ادبی است؛ یعنی سخن نظم و نثر، وقتی ارزش ادبی پیدا می‌کند که ما بین اجزای کلام تناسب و تقارب وجود داشته باشد (همایی، ۱۳۶۴: ۲۵۹).

حضرت در خطبه خویش از صنعت مراعات نظیر بهره برده، اما کاربرد این صنعت در نزد وی کمتر از تضاد است. هدف نیز جلب توجه مخاطب و ایجاد تأثیر در او برای همراهی خطیب در عبرت‌گیری از دنیا می‌باشد. آرایه مراعات نظیر زمانی می‌تواند بر زیبایی سخن بیفزاید که در قالب یک کلام هنری به کار گرفته شود و شاعر یا نویسنده هنرمند با انتخاب «جفت‌های گردان» موجب التذات هنری شود. تناسب میان اجزای کلام، مهم‌ترین شرطی است که یک اثر ادبی باید داشته باشد و بدون آن، صفت ادبی بودن بر سخن صدق نمی‌کند. نیز چنان‌که گفته شد، این تناسب زمانی مؤثر است که تصویرآفرین باشد، در غیر این صورت آرایه مراعات نظیر شکل نمی‌گیرد و به تبع آن دیگر آرایه‌ها فعال نمی‌شوند. تناسب میان واژگان زمانی ارزش هنری پیدا می‌کند که سخن، ادبی باشد و کلام از زیورهای همچون تشبیه، تلمیح، کنایه، ایهام، استعاره و ... بهره گرفته باشد و از دیگر سو، این صنایع نیز زمانی کلام را ادبی و خیال‌انگیز می‌کنند که با واژگان متناسب همراه گردند. بنابراین چنین است که آرایه مراعات نظیر با دیگر صنایع بدیعی و بیانی لازم و ملزوم یکدیگرند (حسینی، ۱۳۸۹: ۷۵).

آرایه مراعات نظیر در دو جای خطبه به زیبایی هرچه تمام‌تر قابل مشاهده است؛ یکی آنجا که از خلقت انسان‌ها می‌گوید و اعضاء و جوارح او را برمی‌شمرد که قاعدتاً همه انسان‌ها در این امر مثل و نظیر یکدیگرند و دیگر در جایی که پدر، مادر، همسر، برادر، خواهر و سایر بستگان را ماتم‌زده اطراف جنازه میت

در حال نوحه‌سرایی و عزاداری ترسیم می‌کند که حال همه آنها مثل و نظیر یکدیگر است. تناسب و تقارنی که با استعمال صنعت مراعات نظیر در خطبه به‌وجود آمده؛ در کنار تصویرآفرینی آنها، توجه مخاطب را به خود جلب کرده است. تصاویر ادبی می‌تواند مخاطب و یا خواننده را تا عالی‌ترین سطح با شاعر و نویسنده هم‌سو کند که اگر همراه با تحرک و پویایی کافی باشد، بهتر در جان خواننده کارگر است. با تناسب و تقارنی که حضرت با استفاده از صنعت مراعات نظیر در خطبه خود به‌کار بسته و همچنین با استفاده از تصاویر زنده و پویا، توانسته است مخاطب را با خود همراه سازد و تحرک تصاویر او در کنار تناسب بین اجزای کلام سبب شده تا بیانات او برای مخاطب قابل فهم و درک باشد.

جمع

کاربرد صنعت جمع برای تسهیل امر مخاطب در فهم و یادگیری مطالب است. آنگاه که گوینده دو شیء را در یک صفت جمع می‌کند، نشانه هم‌سانی آن دو شیء است، پس اگر یکی از اموری که گوینده بین آنها را جمع کرده است، مبهم و غیر قابل درک باشد، خواننده می‌تواند با استفاده از اشتراکاتی که این امر با دیگر امور دارد، به فهم آن برسد و مطلب را در ذهن خود جای دهد. هدف از صنایع بلاغی تمکن یافتن معنا در ذهن مخاطب است و هدفی که نویسنده در این گونه موارد دنبال می‌کند، خارج از این مقوله نیست. امام علی علیه السلام با به‌کارگیری این صنعت در خطبه غرأء هدف خاصی دنبال کرده است و آن همبستگی بین امور مختلف و متحد کردن افراد پیرامون محور خاصی از امورات عالم است. بلاغت این صنعت هنگامی آشکار می‌گردد که وجه اشتراک امورات مختلف و به‌ظاهر متفاوت را تبیین می‌سازد و باعث می‌شود مخاطب شور و ولع خاصی را نسبت به آن پیدا کند.

همچنین امام علیه السلام در این خطبه از صنعت اقتباس نیز استفاده کرده است که نسبت به‌کارگیری آن از دیگر صنایع ادبی کمتر است، اما به‌کارگیری این صنعت به‌ویژه از قرآن کریم، توسط آن حضرت، اعتباربخشی به معانی و کلام خود است و استحکام آن را در پی دارد که باعث جلب توجه خواننده می‌شود.

عبدالله بن مقفع از چهره‌های درخشان ادبی و مفاخر ایران و اسلام است که در فصاحت و بلاغت سرآمد شد اما با بررسی آثار او استنتاج می‌شود که علت اصلی بلاغت ابن مقفع آشنایی با خطبه‌ها و نامه‌های امام علی علیه السلام و تأثیرپذیری شدید از اسلوب بیانات آن حضرت بوده است. جاحظ

نیز که او را امام ادب عربی شمرده‌اند، درباره یکی از سخنان امام علی علیه السلام می‌نویسد:

اگر فقط همین سخن را داشتیم آن را شافی، کافی، بسنده و بی‌نیازکننده می‌یافتیم، بلکه افزون از کفایت و منتهی به غایت می‌دیدیم. (فقهی زاده، ۱۳۹۳: ۶۸).

سایر آرایه‌های معنوی

نکته زیبایی که در این خطبه وجود دارد، آنجا که صحبت از قیامت و حساب و کتاب اخروی است که انسان‌ها به خوب و بد تقسیم می‌شوند، از آرایه تقسیم بهره برده شده است، درحالی‌که در توصیف لحظه جان دادن انسان‌ها که تقریباً همه خانواده و اهل و بستگان در اطراف بستر شخص مختصر حضور یافته‌اند و شیون می‌کنند؛ به زیبایی آرایه تنویع را به کار برده است.

از دیگر زیبایی‌های خطبه مورد بحث، استفاده مناسب از آرایه تناسب لفظ و معنا است. به‌خصوص در قسمت پایانی خطبه که به هول قیامت و شرایط سنگین آن لحظات و دشواری ساعات اشاره دارد؛ از حروف سنگین و دارای صفات اطباق و استعلاء و یا حروف مشدد در کلماتی مانند: «ضنک، مضیق، الروع، الزهوق» استفاده کرده است. جمله: «قبل قدوم الغایب المنتظر» در همه کلمات تشکیل‌دهنده آن، یکی از حروف «ق، غ، ظ» مشاهده می‌گردد.

در میانه خطبه که مردمان را از وسوسه‌های شیطان برحذر می‌دارد؛ در توصیفی زیبا، انواع وسوسه‌ها و حیل‌های شیطان و وعده‌های گوناگون و رنگارنگ او را یادآور می‌شود و در همین سه سطر مطلب، به زیبایی از ۶ آرایه بدیعی سود برده و آرایه ابداع را شکل داده است.

نتیجه

از همان سال‌های نخست و در زمان صدور خطبه‌های امام علی علیه السلام تمایز بیانات ایشان نسبت به کلام عرب، جلب توجه می‌کرده است. اندیشمندان مسلمان همواره به برتر بودن کلام امام علی علیه السلام اعتراف داشته و چهره‌های درخشان ادبی و مفاخر بلاغت موفقیت خود را ناشی از تأثیرپذیری از سبک امام علی علیه السلام برشمرده‌اند. یکی از خطبه‌هایی که به وضوح شیوه و اسلوب سخنرانی آن حضرت را نشان می‌دهد؛ خطبه غراء است. در خطبه غراء از انواع آرایه‌های لفظی (سجع مطرف، مرصع، متوازی، جناس تام، مصحف، مطرف، مضارع، لاحق، موازنه و، اشتقاق،



ازدواج، تکرار و ابداع) و آرایه‌های معنوی (تضاد، مقابله، مراعات نظیر، جمع، تقسیم و اقتباس) استفاده شده است. و کاربرد این آرایه‌های متنوع با هدف تأثیرگذاری و همراه نمودن مخاطب با خود صورت گرفته است.

در این خطبه می‌توان دو گونه موسیقی را مشاهده کرد. موسیقی اصوات که حاصل از واج‌آرایی و تکرار و انواع سجع و جناس در کلام است و موسیقی معانی که از تضاد، مقابله، جمع، مراعات نظیر و ... به‌وجود آمده است. در حوزه تداعی و موسیقی معنوی، تناسب کلمات از طریق مراعات نظیر و جمع، و تقابل تضاد از طریق طباق و مقابله به مخاطب منتقل می‌گردد. از میان آرایه‌های لفظی بیشترین کاربرد را سجع متوازی و موازنه داشته‌اند. با توجه به اینکه یکی از عوامل قوی تثبیت یک موضوع در ذهن مخاطب، آهنگین بودن کلام و موسیقی آن است و شاخصه اصلی سجع متوازی و موازنه نیز همان وزن مشترک کلمات است که موسیقی کلام را بالا می‌برد؛ علت کاربرد بیشتر آرایه‌های مذکور مشخص می‌گردد. در میان آرایه‌های معنوی نیز تضاد و جمع کاربرد بیشتری دارند. همان‌گونه که ذکر شد اگر چند چیز که حکم واحدی دارند را با هم بیاوریم؛ در دفعات بعد ذکر هر کدام می‌تواند بقیه را در ذهن مجسم نماید. دو شیء متضاد نیز همین حالت را دارند و اصولاً ذهن آدمی با شنیدن یا دیدن یک چیز فوراً متوجه متضاد آن می‌گردد، بنابراین کاربرد این آرایه‌ها باعث فهم بهتر و حفظ راحت‌تر خطبه می‌شود.

در مجموع ۱۲۹ بار ۱۹ نوع آرایه بدیعی در خطبه غراء آمده که وجه مشترک همگی آنها تثبیت مفهوم و مقصود گوینده در ذهن شنونده بوده و امام علی علیه السلام در این هدف موفق عمل نموده‌اند.

سخن پایانی اینکه نام‌گذاری این خطبه به غراء (یعنی خطبه برجسته) بسیار زیبا و هوشمندانه صورت گرفته؛ زیرا به روشنی و بدون هیچ‌گونه ابهام و پوشیدگی توانسته است مقصود گوینده را به خواننده و شنونده انتقال دهد و آن شناخت خالق خویش، دعوت به تقوا و عبرت‌گیری از مرگ و آماده شدن برای روز واپسین قیامت است. مهم‌ترین مسائل عقلی که از سوی امام علیه السلام در خطبه‌ها و به‌خصوص در این خطبه مطرح شده، پیرامون توحید و الهیات است و این بحث‌های تعقلی و فلسفی برای فهم بهتر از سوی مخاطب، در قالب تمثیل‌ها، اقتباس‌ها، برقراری تناسب بین امور، ذکر شباهت‌ها و تفاوت‌ها و موارد این‌چنینی بیان گردیده تا امر آموزش را برای آنها ساده و ممکن سازد. بنابراین استفاده از آرایه‌های بدیعی مختلف و متنوع، بر گیرایی و لطافت و قابلیت پذیرش خطبه از سوی مخاطبین تأثیرگذار بوده است.

منابع و مأخذ

الف) کتابها

- قرآن کریم.

- نهج البلاغه، گردآوری سید رضی، ترجمه محمد دشتی، قم، شهاب، ۱۳۸۳.

- تفتازانی، سعد الدین، مختصر المعانی، قم، دار الفکر، چاپ نهم، ۱۳۸۸.

- حسینی خطیب، سید عبدالزهراء، مصادر نهج البلاغه و آسانیده، بیروت، دار الزهراء، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ ق.

- رادویانی، محمد عمر، ترجمان البلاغه، تصحیح احمد آتش، استانبول، بی نا، ۱۹۴۹ م.

- رازی، شمس قیس، المعجم، تصحیح مدرس رضوی، تهران، زوار، ۱۳۶۰.

- رجایی، خلیل، معالم البلاغه، شیراز، دانشگاه شیراز، ۱۳۴۰.

- رمضان، اکبر، نهج البلاغه آئینه ای از قرآن کریم، بوشهر، دستغیبی، ۱۳۸۹.

- شایب، احمد، الأسلوب، مصر، مكتبة النهضة المصرية، الطبعة السابعة، ۱۹۷۶ م.

- شفیعی کدکنی، محمدرضا، شاعر آینه ها، تهران، آگاه، چاپ سوم، ۱۳۷۱.

- شفیعی کدکنی، محمدرضا، موسیقی شعر، تهران، آگاه، ۱۳۶۸.

- شمیسا، سیروس، نگاهی تازه به بدیع، تهران، فردوس، ۱۳۶۸.

- فتوحی، محمود، سبک شناسی، نظریه ها، رویکردها و روش ها، تهران، سخن، ۱۳۹۰.

- فشارکی، محمد، نقد بدیع، تهران، سمت، چاپ چهارم، ۱۳۸۹.

- فضل، صلاح، علم الأسلوب - مبادئه و اجرائاته، قاهره: دار الشروق، ۱۹۹۸ م.

- قائمی، مرتضی. دراسة فی نصوص من نهج البلاغه، همدان، دانشگاه بوعلی سینا، ۱۳۸۹.

- قصاب، ولید ابراهیم، البلاغه العربیة - علم البدیع، دمشق، دار الفکر، ۱۴۳۳ ق.

- کوئن، بروس، مبانی جامعه شناسی، ترجمه و اقتباس غلامعباس توسلی و رضا فاضلی، تهران، سمت، چاپ نهم، ۱۳۷۹.

- مصلوح، سعد، الأسلوب - دراسة لغویة إحصائیة، کلیه الآداب بجامعة القاهرة: عالم الکتب، الطبعة الثالثة، ۱۹۹۲ م.

- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ پنجم، ۱۳۹۲.



- منصوری، ذبیح‌الله، ترجمه و شرح نهج البلاغه، تهران، بدرقه جاویدان، ۱۳۹۰.
- همایی، جلال‌الدین، فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران، هما، چاپ سوم، ۱۳۶۴.
- وطواط، رشید، حدائق السحر، تصحیح عباس اقبال، تهران، کتابخانه سنایی، ۱۳۶۲.
- (ب) مقاله‌ها
- حسینی، سید مجتبی و غلامرضا فتحی، ۱۳۸۹، «مراعات نظیر، زیور آرایه‌ها»، پژوهش تحقیقات زبان و ادب فارسی، شماره ۳، ص ۸۲-۶۷.
- صدقی، حامد و همکاران، ۱۳۹۶، «تحلیل سبک‌شناسی آماری بخشی از رساله التوابع و الزوابع ابن شهید و رساله الغفران معری بر اساس معادله بوزیمان»، فصلنامه زبان پژوهی، شماره ۲۲، ص ۱۴۶-۱۲۷، تهران، دانشگاه الزهرا(س).
- فقهی‌زاده، عبدالهادی و الهه تاجیک، ۱۳۹۳، «مرجعیت علمی امام علی علیه السلام در گستره علوم دینی»، پژوهش‌های نهج البلاغه، شماره ۴۰، ص ۷۴-۴۹، تهران، بنیاد نهج البلاغه.
- میرلوحی، سیده ریحانه و همکاران، ۱۳۹۱، «الطباق ومكانته فی البلاغة العربية علی ضوء الشواهد القرآنية»، لسان مبین، شماره ۱۰، ص ۲۳۴-۲۲۱.
- Antosch, Friederike. *The Diagnosis of Literary Style with the Verb-adjective Ratio*. Statistics and Stylistics. L.dolezel & R.W.Bailty (eds). New York, pp 40-59, 1969.
- Miller, G. A. *Language and Communication*. New York. University of Florida College Library. 1963.